



ایران

امام علی(ع): زکات زیبایی، عفت است.

سخن روز

غیرالحکم: ۵۴۴۹

رونمایی از اثر «محمود فرشچیان» در پنجمین حراج «باران»

مراسم گشایش پنجمین حراج تخصصی هنرهای ایرانی و اسلامی «باران» با ارائه بیش از ۸۰ اثر برگزار شد. این مراسم در مرکز نمایش‌های بین‌المللی رازین برگزار شد. سیده محبوبه کاظمی دولایی، مدیرمسئول نگارخانه ترانه باران با اشاره به فاصله هفت‌ساله از برگزاری آخرین دوره این حراج گفت: «در دوره‌های گذشته، هر سال حراج را به روح یکی از هنرمندان بزرگ کشور تقدیم می‌کردیم. این دوره را نیز به روح بزرگ استاد فرشچیان تقدیم کردهام.» **ایران**

«سلیمان میناسیان»، فیلمبردار پیشکسوت درگذشت

سلیمان میناسیان، فیلمبردار پیشکسوت سینمای ایران در ۹۵ سالگی در لندن درگذشت. میناسیان فیلمبرداری آثار ماندگاری همچون «خشت و آینه» ساخته ابراهیم گلستان، «خانه سیاه است» ساخته فروغ فرخزاد و مستندهای «موج، مرجان، خارا»، «تپه‌های مارلیک» و «گنجینه‌های گوهر» را در کارنامه داشت و از چهره‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری و تحول سینمای مستند ایران به شمار می‌رفت. **ایران**



همکاری خواننده ترکیه‌ای «با فرزند فریزن»

مصطفی ججلی، خواننده مطرح و پرطرفدار ترکیه، به‌زودی آهنگ جدید خود با نام «گل گل» را با همراهی فرزند فریزن، خواننده موسیقی پاپ ایران، منتشر خواهد کرد. چندی پیش مصطفی ججلی درباره عشق و علاقه‌اش به ایران، در شبکه‌های اجتماعی یک استوری منتشر کرده بود. حضور دو هنرمند از دو فضای موسیقایی متفاوت در یک قطعه مشترک می‌تواند یکی از همکاری‌های ارزشمند موسیقی پاپ ایران و ترکیه در عرصه بین‌المللی باشد. **ایرنا**

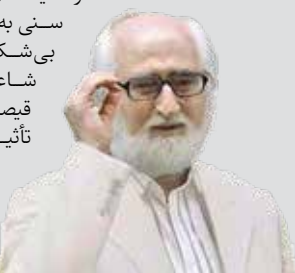


قیصر، شاعر روزگاران خواهد ماند

قیصرامین پور را فقط نمی‌توان در شعرش خلاصه کرد، بلکه می‌توان گفت شعر قیصر خلاصه‌ای از شخصیت بی‌انتهای او بود. اخلاق و انسانیت قیصر به مراتب مهم‌تر و بزرگ‌تر از شعرش بود و همین مسأله بود که انسان را شایسته قیصر می‌نمود. قیصر یکی از زلال‌ترین رودهای شعر امروز ایران بود که بدون غلتیدن به سرآشوبی‌های افراط و تفریط با زبانی پخته و اندیشه‌ای رسا و متعالی ناب‌ترین شعرها را برای هر گروه سنی به جای گذاشته است.

بی‌شک قیصر شاعر روزگاران خواهد ماند. ای کاش شاعران نسل جوان همانقدر که از شعر و شاعری قیصر درس می‌آموزند از اخلاق و رفتار و منش او نیز تأثیر بگیرند.

گزیده‌ای از صحبت‌های جواد محقق، درباره قیصرامین پور به بهانه سالروز درگذشت این شاعر نامدار ایران / همشهری



با نهایی شدن نقشه فرهنگی در ۳۰ استان و شناسایی ۱۵۰ مسأله فرهنگی کلید خورد اثربخشی نقشه مهندسی فرهنگی در گرو اجرای دقیق و ارزیابی مستمر

از شمارش اقدامات تا سنجش اثربخشی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی اجرای نقشه مهندسی فرهنگی، ایجاد نظامی کارآمد برای پایش و ارزیابی نتایج است. انجام ۳۹۳ اقدام، میزان فعالیت‌های ثبت‌شده را نشان می‌دهد، اما به‌تنهایی مشخص نمی‌کند که این اقدامات تا چه اندازه به حل مسائل اولویت‌دار کمک کرده‌اند. تفاوت میان شمارش فعالیت‌ها و سنجش نتایج، همان نقطه‌ای است که می‌تواند کیفیت سیاست‌گذاری فرهنگی را تعیین کند.

در گزارش ارائه‌شده، شش یافته کلیدی شامل مسأله‌محوری، توجه به تولید و آموزش، شتاب‌گیری تدوین اسناد، تمرکززدایی، خلأ نظام رصد و ضرورت نگاه چندبعدی به مسائل مطرح شده است. تأکید بر خلأ نظام پایش نشان می‌دهد که مرحله بعدی اجرای نقشه‌ها باید بر تولید اطلاعات معتبر، تعیین شاخص‌های نتیجه‌محور و بررسی میزان اثرگذاری مصوبات متمرکز شود.

اعضای شورای فرهنگ عمومی کشور نیز پیشنهادهایی از جمله تعیین معیارهای سنجش، ارزیابی مصوبات، شناسایی اقدامات اثربخش و انتقال آنها به سایر استان‌ها را مطرح کردند. اجرای این پیشنهادها می‌تواند امکان اصلاح برنامه‌ها و جلوگیری از تکرار فعالیت‌های کم‌اثر را فراهم کند.

در نهایت، موفقیت نقشه مهندسی فرهنگی با تعداد اسناد تدوین شده یا اقدامات انجام‌گرفته سنجیده نمی‌شود، بلکه معیار اصلی، میزان تأثیر آن بر مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

این دسته‌بندی می‌تواند به شورای فرهنگ عمومی کشور کمک کند تا به جای بررسی جداگانه مسائل متعدد، برنامه راهبری خود را بر محور موضوعات مشترک تنظیم کند. در این چارچوب، نقش شورای فرهنگ عمومی کشور از بررسی و تصویب اسناد فراتر می‌رود. این شورا باید بتواند میان دستگاه‌های مسئول هماهنگی ایجاد کند، نیازی مشترک استان‌ها را تشخیص دهد و در مواردی که حل مسائل به حمایت یا تصمیم‌گیری ملی نیاز دارد، زمینه مداخله مؤثر را فراهم سازد.

جلسه، ۱۵۰ مسأله شناسایی‌شده در هفت خوشه موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. ارزش‌های دینی و هویتی، خانواده و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، آسیب‌های اجتماعی، میراث فرهنگی، اقتصاد فرهنگ، مدیریت فرهنگی، فضای مجازی و سواد رسانه‌ای از جمله حوزه‌های مورد توجه در این فرایند هستند. صالحی با اشاره به سهم بیشتر دو خوشه «ارزش‌های هویتی» و «خانواده و سبک زندگی ایرانی-اسلامی» در نظام مسائل استان‌ها، بر ضرورت توجه بیشتر به این حوزه‌ها تأکید کرد.

هفت خوشه مبنایی برای اولویت‌بندی مسائل

بر اساس گزارش مطرح‌شده در

نقشه‌ها از بالا به پایین تدوین نشده‌اند، بلکه استان‌ها در شناسایی مسائل و متناسب‌سازی برنامه‌ها با شرایط خود مشارکت داشته‌اند.

مشارکت استانی و ضرورت هماهنگی نهادی

تجربه تدوین برش‌های استانی نشان می‌دهد که تمرکززدایی در سیاست‌گذاری فرهنگی، زمانی اثربخش خواهد بود که با تقسیم کار روشن و سازوکارهای هماهنگی همراه شود. بر اساس گزارش ارائه‌شده، فرایند تدوین نقشه در ۳۰ استان نهایی شده و استان گیلان تنها استانی است که تکمیل این فرایند در آن باقی مانده است. در کنار تدوین اسناد، اصلاح آیین‌نامه شوراها، فرهنگ عمومی، پیش‌بینی پنج کمیته برای برنامه‌ریزی و پیگیری امور، ایجاد هیأت‌رئیس‌ه در شوراها، استانی و تقویت دبیرخانه‌ها از جمله اقداماتی است که با هدف بهبود عملکرد این شوراها انجام شده است. این اصلاحات می‌تواند به توزیع روشن‌تر مسئولیت‌ها و پیگیری منظم‌تر مصوبات کمک کند.

نقشه مهندسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌گذار از تصمیم‌های پراکنده به برنامه‌ریزی مسأله‌محور را فراهم کند.

در چنین الگوی، فعالیت دستگاه‌های فرهنگی باید با اولویت‌های مشخص هر استان ارتباط داشته باشد

دستگاه‌های فرهنگی باید با اولویت‌های مشخص هر استان ارتباط داشته باشد و مصوبات شوراها در راستای حل مسائل واقعی جامعه تنظیم شوند. با این حال، شناسایی مسأله به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه تعیین مسئولیت دستگاه‌ها، مشخص کردن زمان‌بندی اجرا و تعریف شاخص‌های ارزیابی نیز ضرورت دارد. یکی از ویژگی‌های مهم این فرایند، مشارکت استان‌ها در تدوین اسناد است. صالحی تأکید کرد که

فرهنگی را ایجاد نقشه راهی روشن برای شوراها، فرهنگ عمومی استان‌ها دانست. به گفته او، در گذشته، فعالیت این شوراها گاه تحت تأثیر سلاقی اعضا قرار می‌گرفت و نبود چارچوبی مشترک، هماهنگی میان برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی را دشوار می‌کرد. از این منظر، نقشه مهندسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌گذار از تصمیم‌های پراکنده به برنامه‌ریزی مسأله‌محور را فراهم کند. در چنین الگوی، فعالیت

با نهایی شدن برش‌های استانی نقشه مهندسی فرهنگی کشور در ۳۰ استان، چالش اصلی از تدوین اسناد به اجرای برنامه‌ها، هماهنگی دستگاه‌ها و ارزیابی نتایج منتقل شده است. بر اساس گزارش ارائه‌شده در هشتصد و شصت و یکمین جلسه شورای فرهنگ عمومی کشور، ۱۵۰ مسأله شناسایی و ۳۹۳ اقدام برای رسیدگی به مسائل فرهنگی استان‌ها انجام شده است. با این حال، اثربخشی این نقشه نه با تعداد اقدامات، بلکه با میزان تأثیر آنها بر حل مسائل فرهنگی و اجتماعی سنجیده می‌شود.

عبور از تصمیم‌گیری سلیقه‌ای

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این جلسه یکی از اهداف تدوین برش‌های استانی نقشه مهندسی

درباره نمایش کمدی بدنام و بازخوانی انتقادی تاریخ تئاتر لاله‌زار تئاتر عامه‌پسند، بی‌آنکه عوام‌زده باشد



و نشاط و شوخی‌های صحنه، واقعیت‌هایی چون فراموشی، فقدان و زوال نیز حضور دارند. در اینجا، خنده به راهی برای مواجهه با تلخی تبدیل می‌شود، نه وسیله‌ای برای نادیده گرفتن آن.

بازی خوب جواد خواجوی و مازیار مهرگان از نقاط قوت نمایش است؛ دو بازیگری که با درک درست از نقش و شناخت ظرافت موقعیت‌های نمایشی، توانسته‌اند در فضایی بینامتنی که کمدی و تراژدی را به هم پیوند می‌دهد، حضوری مؤثر و باورپذیر داشته باشند. تسلط آنها بر لحن، ریتم و تغییرات عاطفی موقعیت‌ها، با حفظ جنبه سرگرم‌کننده اجرا، به لایه‌های انتقادی و تلخ‌اثر نیز عمق می‌بخشد. آنها به خوبی از عهده ایجاد تعادل میان خنده و اندوه برمی‌آیند و نشان می‌دهند در این نمایش، کمدی نه در تقابل با تراژدی، بلکه در گفت‌وگو با آن معنا پیدای می‌کند.

در مجموع، نمایش با تلفیق تاریخ‌نگاری، طنز انتقادی، موسیقی زنده و امکانات تصویری، ظرفیت‌های تئاتر عامه‌پسند را از نو به نمایش می‌گذارد. اهمیت آن در این است که میان ارتباط برقرار می‌کند و در پایان با تجربه‌ای تلخ روبه‌رو می‌شود که او را به تأمل فرامی‌خواند. این همان نقطه‌ای است که کمدی از سرگرمی صرف فراتر می‌رود و به ابزاری برای خردورزی تبدیل می‌شود؛ تجربه‌ای که هم خنده برمی‌انگیزد و هم پرسش‌هایی ماندگار در ذهن مخاطب باقی می‌گذارد.

نقد رضاصانی

دبیر گروه فرهنگی

نمایش «کمدی بدنام» به کارگردانی علی اصغری با نگاهی به تاریخ تئاتر لاله‌زار و هنرمندانی که در شکل‌گیری و تدویم آن نقش داشته‌اند، می‌کوشد بخشی از خاطره جمعی و تاریخ تئاتر عامه‌پسند ایران را بازخوانی کند. اهمیت اثر، فراتر از یادآوری گذشته، در پیوند میان تاریخ، سرگرمی و نقد اجتماعی است. نمایش با فاصله گرفتن از روایتی صرفاً نوستالژیک، تاریخ را به بستری زنده برای آفرینش صحنه‌ای تبدیل می‌کند؛ بستری که در آن گذشته با مسائل و تجربه‌های امروز پیوند می‌خورد. یکی از ویژگی‌های مهم اثر، مواجهه هوشمندانه آن با مفهوم تئاتر عامه‌پسند است؛ تئاتری که مخاطب گسترده را هدف قرار می‌دهد، اما برای جلب رضایت او به عوام‌زدگی تن نمی‌دهد. نمایش با تکیه بر زبان ساده، موقعیت‌های کمیک و ارتباط مستقیم با تماشاگر، نشان می‌دهد مردمی بودن لزوماً به معنای سطحی بودن نیست. اینجا، سرگرمی نه مانعی برای تفکر، بلکه راهی برای نزدیک شدن به مسائل تاریخی و اجتماعی است. اثر می‌کوشد مخاطب را بختاند، با آنکه قدرت تأمل و داوری او را نادیده بگیرد. درهم‌تنیدگی طنز و نگاه انتقادی نیز از نقاط قوت نمایش است. شوخی صرفاً برای ایجاد خنده طراحی نشده‌اند، بلکه امکان آشکار کردن تناقض‌ها و مواجهه با واقعیت‌های تلخ را فراهم می‌کنند. این رویکرد در شوخی سبک سینما و سینماگران، از جمله مهران مدیری و اصغر فرهادی، جلوه‌ای دیگر می‌یابد. ارجاع به این چهره‌های شناخته‌شده، از یک سو بر شناخت عمومی تماشاگر از فرهنگ و سرگرمی معاصر تکیه دارد و از سوی دیگر، فضای مناسبی برای شوخی با شهرت، مناسبات هنری و تصویر عمومی هنرمندان ایجاد می‌کند. این چنانی انیمیشن پیوندی موفق برقرار کند، فراتر از یک مجموعه سرگرم‌کننده خواهد بود، گامی برای تدوین حافظه تاریخی ایران و معرفی یکی از ارزشمندترین آثار ادبی آن به جهان.

آغاز تولید سریال انیمیشنی ده‌ساله با هدف بازآفرینی حماسه فردوسی در قالبی متناسب با رسانه‌های امروز شاهنامه در مسیر بازآفرینی تصویری



اسفندیار محدود نمی‌شود. پیوند میان روایت‌ها، تحولات شخصیت‌ها و مفاهیم اخلاقی و اجتماعی، بخش مهمی از ارزش این اثر را تشکیل می‌دهد. روایت پیوسته می‌تواند به مخاطب کمک کند تا شاهنامه را نه مجموعه‌ای از داستان‌های منفرد، بلکه جهانی منسجم و برخوردار از لایه‌های تاریخی، اسطوره‌ای و انسانی بشناسد.

افق ده‌ساله؛ فرصتی بزرگ با مسئولیتی سنگین

برنامه تولید و پخش همزمان مجموعه در بازه حدوداً ده‌ساله، از گستردگی و بلندپروازی این طرح حکایت دارد. هر فصل شامل ۸ تا ۱۲ قسمت خواهد بود و مدت‌زمان هر قسمت بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه پیش‌بینی شده است. چنین برنامه‌ای، در صورت تأمین منابع مالی و استمرار تولید، می‌تواند شاهنامه را به پروژه‌ای فرهنگی و بلندمدت تبدیل کند؛ پروژه‌ای که برخلاف تولیدات مقطعی، فرصت پرداختن تدریجی به گستره این حماسه را خواهد داشت.

با این حال، تحقق چنین هدفی به استمرار مدیریتی، برنامه‌ریزی دقیق و حفظ کیفیت هنری نیاز دارد. وفاداری به روح اثر فردوسی، توجه به زمینه‌های تاریخی و اسطوره‌ای و پرهیز از ساده‌سازی افراطی داستان‌ها، از مهم‌ترین الزامات این مسیر است. بازآفرینی شاهنامه باید میان اصالت ادبی و اقتضات دراماتیک انیمیشن تعادل برقرار کند. زیرا نه بازگویی صرف و بدون خلاقیت می‌تواند ارتباطی تازه با مخاطب بسازد و نه تغییرات بی‌ضابطه از هویت اثر سازگار خواهد بود.

بهره‌گیری از هوش مصنوعی در کنار تکنیک انیمیشن دوبعدی نیز از ویژگی‌های این پروژه است. این فناوری می‌تواند در مدیریت فرایند تولید و کاهش برخی هزینه‌ها مؤثر باشد، اما موفقیت نهایی همچنان به

یادداشت زهرانجفی

روزنامه‌نگار

آغاز تولید سریال انیمیشنی «شاهنامه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی اشکان رهگذر، فراتر از شروع یک پروژه هنری، تلاشی برای بازآفرینی یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی ایران است؛ پروژه‌ای که با افق تولید و پخش ده‌ساله، می‌تواند زمینه‌ساز ارتباط دوباره نسل امروز با حماسه فردوسی و معرفی آن به مخاطبان جهانی باشد.

شاهنامه تنها مجموعه‌ای از داستان‌های اساطیری و پهلوانی نیست؛ این اثر یکی از پایه‌های اصلی حافظه تاریخی و هویت فرهنگی ایرانیان به شمار می‌رود. فردوسی با گردآوری و بازآفرینی روایت‌های کهن، اثری پدید آورد که در طول قرن‌ها به حفظ زبان فارسی و انتقال ارزش‌ها، اسطوره‌ها و خاطره جمعی ایرانیان کمک کرد. از این منظر، بازآفرینی تصویری شاهنامه را باید اقدامی فرهنگی با اهمیت تاریخی دانست، اقدامی برای آنکه این میراث از صحنات کتاب فراتر رود و در قالبی متناسب با نیازهای مخاطب معاصر ادامه حیات دهد.

شاهنامه؛ میرایی که باید دوباره روایت شود

تغییر شیوه‌های مصرف محتوا و گسترش رسانه‌های تصویری، ضرورت ارائه روایت‌های تازه از آثار کلاسیک را افزایش داده است. نسل‌های جدید بیش از گذشته با نوبهی از محصولات سرگرمی داخلی و جهانی مواجه‌اند و تداوم ارتباط آنها با میراث ادبی، نیازمند یافتن زبان‌های روایی تازه است. انیمیشن در این میان ظرفیت ویژه‌ای دارد زیرا می‌تواند جهان اسطوره‌ای شاهنامه، شخصیت‌های پیچیده و نبردهای حماسی آن را به نژادهای دیداری و شنیداری تبدیل کند.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، سریال «شاهنامه» قرار است داستان‌های این اثر را از آغاز تا پایان روایت کند؛ رویکردی که آن را از اقتباس‌های محدود و پراکنده متمایز می‌سازد. فصل اول با عنوان «نخستین پادشاه»، به دوران پادشاهی کیومرث می‌پردازد و آغازگر مسیری است که در صورت تحقق کامل برنامه، بخش گسترده‌ای از جهان شاهنامه فردوسی را در بر خواهد گرفت.

اهمیت این رویکرد در آن است که شاهنامه صرفاً به داستان‌های مشهور رستم و سهراب یا رستم و